

هلو

خرنامه مخدومان نور ۱۰

شماره

خودی تبلیغی فرهنگی / اسل اول - فروزین ۹۱



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

هر روز تان نوروز، نوروتان پیروز



آغاز بهار، این عید باستانی و تولد طبیعت را پیش از همه بر مقتدای دراویش سلسله نعمت الهی گنابادی، حضرت آقای حاج دکتر نور علی تابنده مجدوبعلیشاه (ارواخنا فدا) و سپس به تمام برادران ایمانی و فارسی زبانان تبریک و تهنیت عرض می نماییم و با زنده کردن نام و یاد شهید عقیده و آزادگی، حمید بنایی که همواره زنده خواهد بود و سایر زندانیان دراویش به زبان، به زنده بودن یادشان در دل تاکید می کنیم، گرچه وجود این عزیزان کنار هفت سین خانواده هایشان غایب بود، اما جایشان در سفره دل ما سیز و زنده بود و خواهد بود، این عید را به خانواده های این عزیزان نیز تبریک گفته و سالی شاد را برایشان آرزومندیم.

به یمن آغاز بهار، تفعیلی به دیوان حافظ شیراز می نمیم، شاید که زبان قال آهنگین او، زبان حال ما در این سال جدید باشد:

می‌رسد مژده گل بلبل خوش الحان را
خدمت ما برسان سرو و گل و ریحان را
خاکروب در میخانه کنم مژگان را
مضطرب حال مگردان من سرگردان را
در سر کار خرابات کنم ایمان را
هست خاکی که به آبی نخرد طوفان را
کان سیه کاسه در آخر بکشد مهمان را
گو چه حاجت که به افلاک کشی ایوان را
وقت آن است که بدرود کنی زندان را
دام تزویر مکن چون دگران قرآن را

رونق عهد شباب است دگر بستان را
ای صبا گر به جوانان چمن بازرگانی
گر چنین جلوه کند مغبچه باده فروش
ای که بر مه کشی از عنبر سارا چوگان
ترسم این قوم که بر دردکشان می خندند
یار مردان خدا باش که در کشتی نوح
برو از خانه گردون به در و نان مطلب
هر که را خوابگه آخر مشتی خاک است
ماه کنعانی من مسند مصر آن تو شد
حافظا می خور و رندی کن و خوش باش ولی

۱
۲
۳

عید نوروز یادگار ایران باستان و حضرت زرتشت است و برای ایرانیان جایگاهی مانند سایر اعیاد مذهبی دارد، نوروز بیان گر فرهنگ غنی و تمدن بالای ایرانی است و مفاهیم انسانی سرشاری همچون پاکی و پاکیزگی تن و جان از غیار غم و کینه و شادی بودن و در عین آن یادآوری دوستان و نزدیکان برای افزایش همبستگی و مهر را در خود دارد.

در این شماره مجله مجدوبان نور در مورد بیشینه تاریخی نوروز و نحوه تعامل آن با اسلام هم مطالبی آورده ایم که امید داریم مفید فایده علاقه مندان قرار گیرد.

مجدوبان نور

خبرنامه خبری، تحلیلی، فرهنگی مجدوبان نور
در زمینه حقوق بشر، علوم انسانی و علوم اجتماعی
سال اول / شماره دهم / فروردین ماه ۱۳۹۱

فرمایشات

- بیانیه حضرت آقای دکتر نور علی تابنده «مجدوبعلیشاه» به مناسب عید نوروز و سال ۱۳۹۱
- فرمایشات حضرت آقای مجدوبعلیشاه به مناسب عید نوروز ۱۳۹۱

خبر اخبار دراویش

- انتقال حمید آریش به زندان عادل آباد شیراز
- محاکومیت ۵ درویش گنابادی در شهرستان های الشتر و پل دختر
- عدم رسیدگی پزشکی و خامت جراحت دست رضا انصاری، درویش زندانی در بند ۳۵۰
- بازداشت مجدد کسری نوری از دراویش گنابادی
- سو تغذیه شدید دراویش زندانی در بند ۳۵۰
- مراسم عید نوروز با حضور چشمگیر دراویش گنابادی در تهران و دیگر شهرهای ایران برگزار شد

مقاله

- نوروزنامه
- در کشف حقیقت نوروز
- عید نوروز و جایگاه آن در اسلام

حقوق بشر

- ممنوعیت تجسس و بازرگانی و شنود مکالمات
- اسرار شخصی و خانوادگی متهمن
- حقوق متهم

لزوم آگاهی از حقوق قانونی

با اطلاع از قوانین، از حقوق قانونی خود دفاع کنید

در طول سالیان گذشته این چنین برخوردها از سوی نیروهای امنیتی با جامعه دراویش گتابادی کم نبوده بلکه به شکلی مستمر و مداوم ادامه داشته است تخریب و پلمپ حسینیه‌ها و مجالس دراویش گتابادی و تشکیل پرونده‌های قضایی با اتهاماتی واهی و بی‌اساس برای بیش از ۱۰۰۰ تن از پیروان این سلسله در طی این سال‌ها نشان دهنده عدم رعایت قوانین رایج مملکت و نقض حقوق مسلم دراویش گتابادی است. با توجه به چنین وضعیتی آگاه بودن به حقوق قانونی خود از الزامات زندگی در دوره حاضر است، از این پس در خبرنامه مجازیان نور به بررسی دلایل لزوم آگاهی از قوانین و حقوق شهروندی پرداخته خواهد شد.

ممنوعیت تجسس و بازرسی و شنود مکالمات



اصل ۲۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، خبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابرہ و نرساندن آنها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون.

ماده ۱۰۴ قانون آینین دادرسی کیفری : در مواردی که ملاحظه ، تفییش و بازرسی مراسلات پستی ، مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد قاضی به مراجع ذیربیط اطلاع می دهد که اشیاء فوق را توقیف نموده نزد او بفرستند ، بعد از وصول آن را در حضور متهم ارائه کرده و مراتب را در صورتمجلس قید نموده و پس از امضاء متهم آن را در پرونده خبط می نماید. استنکاف متهم از امضاء در صورتمجلس قید می شود و چنانچه اشیاء مزبور حائز اهمیت نبوده و ضبط آن ضرورت نداشه باشد با اخذ رسید به صاحبیش مسترد می شود.

تبصره - کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقيق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود ممنوع است

اسرار شخصی و خانوادگی متهم

بازجو یا قاضی نباید از اسرار شخصی و خانوادگی متهم و یا گناهان گذشته او که ارتباطی با اتهام انتسابی ندارد سوال کند مانند: آیا اعضاء خانواده شما به نماز جمعه می روند؟

آیا تا کنون مشروبات الکلی خورده اید؟
رابطه شما با همسرتان چگونه است؟

بند ۱۱ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی : پرسش ها باید، مفید روشن و مرتبط با اتهام یا اتهامات انتسابی باشد و از کنچکاوی در اسرار شخصی و خانوادگی و سوال از گناهان گذشته افراد و پرداختن به موضوعات غیر موثر در پرونده مورد بررسی احتراز گردد.

حقوق متهم

به موجب بند ۵ قانون احترام به آزادی های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب اردیبهشت ۱۳۸۳ فرد به محض دستگیری باید بتواند مراتب دستگیری و حضور خود در کلانتری، بازداشتگاه و ... را به اطلاع خانواده خود برساند در این بند آمده است: اصل منع دستگیری و بازداشت افراد ایجاد می نماید که در موارد ضروری نیز به حکم و ترتیبی باشد که در قانون معین گردیده است و ظرف مهلت مقرر به مراجع صالح قضایی ارسال شود و خانواده دستگیرشدگان در جریان قرار گیرند.



اندیشمند بزرگ عرب، در قرن‌های اول اسلامی در ایران رواج تام داشته است.

نه تنها ایرانیان، بلکه در دربار خلفای اموی و به ویژه در دربار عباسیان، که وزیران و دبیران ایرانی جایگاهی بلند یافته بودند، آیین نوروز با شکوه تمام جشن می‌گرفتند؛ غیر از گویندگان ایرانی، برخی از شاعران عرب نیز در بزرگداشت این عید باستانی "نوروزیه" می‌سرودند. در برابر، فرمانروایانی بوده‌اند که با نوروز دشمنی می‌کردند، و مخالفت آنها بیشتر با انگیزه سیاسی و در جهت سرکوب جنبش‌های شعوبی بود، و نه به دلایل دینی.

"تاریخ طبری" مواردی چند را از صدر اسلام نقل کرده که مردم ایران از برگزاری جشن نوروز منع شده، یا به خاطر به جا آوردن آداب نوروز، مانند آتش‌بازی و آب‌پاشی و نهال‌کاری، آزار دیده‌اند. مخالفت با نوروز تا روزگار ما ادامه داشته است، چنانکه رژیم طالبان پس از سلطه بر افغانستان، نوروز را خلاف اسلام دانست و عید گرفتن آن را حرام کرد. مجادلات فقهی

گروهی نوروز را عید "فرسان مجوس" و بازمانده از کیش زرتشتی خوانده، جشن گرفتن آن را مکروه و بلکه حرام می‌دانستند. بحث و جدل درباره نوروز همواره در ایران رواج داشته است. گروهی آن را کفر و لاجرم "حرام" دانسته‌اند و برخی از "یوم النیروز جلیل القدر" سخن گفته، آن را "حلال" و حتی مستحب دانسته‌اند.

از زمان شاهان صفوی، که در برابر خلفای عثمانی پیرو تسنن، به گسترش مذهب شیعه کمر بسته بودند، عید نوروز ارج و بهای بیشتری یافت و بحث پیرامون آن نیز بالا گرفت. شیخ آقا بزرگ تهرانی در کتاب

عید نوروز و جایگاه آن در اسلام

گروهی نوروز را کفر و لاجرم "حرام" دانسته‌اند و برخی از "یوم النیروز جلیل القدر" سخن گفته، آن را "حلال" و حتی مستحب دانسته‌اند. نوروز در کنار جشن‌های سده و مهرگان، یکی از عیدهای بزرگ ایرانیان بود که آن را از روزگار قدیم، در روزهایی متغیر از زمان اعتدال بهاری، جشن می‌گرفتند و برای آن آیین‌های گوناگون داشتند. حکیم عمر خیام در نیمه دوم قرن پنجم هجری، در "نوروزنامه" پیدایش افسانه‌ای نوروز و برخی از آیین‌های جشن بزرگ ایرانیان را گزارش داده است. پس از فروپاشی پادشاهی ساسانی، مردم ایران، که به اجرای به دین اسلام روی آورده بودند، در بزرگداشت آیین‌های نیاکان خود، کوشای بودند. در میان علمای مسلمان، به ویژه ایرانیانی که به مذهب شیعه گرویده بودند، از آغاز بر سر وضعیت شرعی "نوروز" اختلاف نظر وجود داشت. گروهی نوروز را عید "فرسان مجوس" و بازمانده از کیش زرتشتی خوانده، جشن گرفتن آن را مکروه و بلکه حرام می‌دانستند؛ در برابر گروهی دیگر، نه تنها با نوروز و آداب آن مخالفتی نداشتند، بلکه آن را نیکو و "مستحب" می‌شناختند.

برخی از فقهاء، با تکیه بر اقوال پیامبر و صحابه، عقیده داشتند که دین اسلام دو عید "فطر" و "اضحی" (قربان) را در میان مسلمانان، به جای عید باستانی نوروز و مهرگان قرار داده است.

اما در ایران، جدا از رأی متشرعن و حکم امیران، مردم همواره، نوروز را در کنار عیدهای دیگر جشن گرفتند و گاه به آن شکل و شمایل "اسلامی" دادند. هم نوروز و هم مهرگان، به شهادت جاظع، نویسنده و

نجفی در "اثبات شرعی بودن نوروز" و بزرگداشت آن، بر چند گونه استدلال تکیه می‌کند. نخست از روایاتی یاد می‌کند که از امامان شیعه به ویژه امام علی و امام صادق در همساز بودن فقه شیعه با آیین نوروز نقل شده است.

نویسنده سپس دیدگاه برخی از علمای معاصر شیعه را نقل می‌کند، از جمله فتاوی سید جمال گلپایگانی، شیخ محمد حسین آل کاشف‌الغطاء و سید محمد تقی خوانساری، که هر سه از علمای بزرگ شیعه بودند و مخالفتی با نوروز نداشتند.

در فتوای مؤرخ ۱۴ اسفند ۱۳۲۸، کاشف‌الغطاء تأکید می‌کند که تمام اعیاد جنبه دینی ندارند و لذا نباید با میزان شرع سنجیده شوند. به نظر شیخ "عید نوروز" روز تولد و شادمانی طبیعت است و بزرگ داشتن آن نه تنها با شرع مغایرتی ندارد، بلکه "مستحب" است. آیت‌الله خوانساری نیز در پاسخ به استفتائی، عید گرفتن نوروز را "مستحب شرعی" دانسته است. رساله نوروزیه "اثر سید هاشم نجفی را ناصر پاکدامن در نشریه "چشم‌انداز" چاپ پاریس در بهار ۱۳۷۵، به تفصیل معرفی کرده است.

علی امینی نجفی
پژوهشگر مسائل فرهنگی

بزرگ "الذریعه" از چندین "رساله نوروزیه" نام برده است که بیشتر آنها در دوره صفوی تألیف شده‌اند. بیشتر این رساله‌ها به وضعیت نوروز از نظر شرع اسلام پرداخته، احکام و آرای متفاوت را بررسی کرده‌اند. در تأیید نوروز از دیدگاه فقهی، روایاتی از برخی امامان شیعه نقل شده، که مشهورترین آنها در زیر می‌آید:

در منابع قدیمی نقل شده است که امام علی امیرالمؤمنین "فالوذج" (پالوده) عرضه کردند، چون امام علت را پرسید، گفتند که امروز نوروز است. امام فرمود: "نیروزنا کل یوم، مهرجونا کل یوم". یعنی: هر روز ما نوروز باد، هر روز ما مهرگان باد.

سندي دیگر به "معلی بن خنس" برمی‌گردد که از قول امام جعفر صادق، پایه‌گذار فقه جعفری، روایت شده است. وقتی از امام درباره شأن "عید فرسان" پرسیدند، پاسخ داد: "چون روز نوروز درآید، غسل کن و پاکترین جامه خود درپوش و بوی خوش به کار دار و روزه فراگیر و پس از نماز پیشین و دیگر، چهار رکعت نماز کن... و سپس از سر شکر به سجده رو و دعا کن و گناهان پنجاه سالت بخشوده می‌گردد."

بنا به روایتی دیگر از علمای شیعه، نوروز حتی جایگاهی خجسته و قدسی یافته است: از امام صادق روایت کرده‌اند که روز غدیر خم، که پیامبر اسلام، علی ابن علی طالب را جانشین خود خواند، با جشن نوروز مقارن بوده است.

بر روایات بالا و بسیاری روایات دیگر، بسیاری از فقیهان و متشرعان شک وارد کرده، نوروز را به عنوان "عید فرس" یا "مجوسان" محکوم کرده، آن را حرام یا دستکم "مکروه" دانسته‌اند.

از پیامبر اسلام حدیثی نقل شده که گفته است: "ابدلكم بيومين يومين، بيوم النيروز و المهرجان، الفطر والاضحى". (برای شما دو روز را به جای دو روز دیگر قرار دادم. روزهای فطر و قربان را به جای عیدهای نوروز و مهرگان). از امام موسی کاظم، امام هفتم شیعیان و فرزند امام جعفر صادق، روایتی قاطع هست در انکار نوروز. امام درباره نوروز گوید: "إنه سنة للفرس، محاجها الإسلام و معاذ الله ان نحيي ما ماحا الإسلام". یعنی: این سنت ایرانیان است که اسلام آن را محو کرده است، بر ما مباد که زنده کنیم آنچه را اسلام به محو آن حکم داده است.

شیخ طوسی، از پایه‌گذاران نامی فقه شیعه و معروف به "شیخ الطائفه"، در کتاب "مصابح المجتهد" به صراحت نوروز را از "دسیسه‌های مجوس" دانسته و برگزار کردن آیین و آداب نوروزی را برابر کفر خوانده است.

آغاز سال نو با جشن نوروز

بسیاری از ایرانیان هنگام تحويل سال به اماكن مذهبی از جمله آرامگاه امامان و امامزاده ها می روند. تا پایان پادشاهی قاجار، در ایران نیز مانند سایر کشورهای اسلامی، تقویم قمری رواج داشت. از آغاز سال ۱۳۰۴ بنا به تصویب مجلس شورای ملی، تقویم خورشیدی، که با فراغت سالانه طبیعت همساز بود، به طور رسمی برقرار شد؛ اولین روز فروردین و آغاز سال شمسی، روز نوروز شناخته شد.

اما با رسمیت یافتن نوروز به عنوان مهمترین جشن کشور، مجادله درباره آن پایان نیافت. در دوران معاصر نیز در ایران چندین مقاله و رساله درباره وضعیت شرعی "نوروز" منتشر شد، که یکی از آنها کتابچه‌ای است به نام "رساله نوروزیه" اثر طبع سید هاشم نجفی که ۶۰ سال پیش (۱۳۳۰) خورشیدی) در یزد منتشر شده است.

نویسنده که خود مقام روحانی دارد، انگیزه انتشار رساله خود را چنین می‌نویسد: "چون در موضوع نوروز و عیدداری آن اختلاف در کار بود"، او بر آن است که نشان دهد نوروز با فقه شیعه مغایرتی ندارد. سید هاشم



بیانیه حضرت آقای دکتر نور علی تابنده «مجدوبعلیشاه» به مناسبت عید نوروز و سال ۱۳۹۱

جعفر
۱۲۱



يَا مُقْلِبَ الْقُلُوبِ وَالْأَنْصَارِ، يَا مُدَبِّرَ اللَّيلِ وَالنَّهَارِ، يَا مُحَوِّلَ الْحَوْلِ وَالْأَخْوَالِ، حَوَّلَنَا إِلَى أَخْسَنِ النَّاحَةِ
در آغاز سخن، به نام خداوند آفریننده هستی شروع می‌کنیم.

عید نوروز از اعیاد مهم فارسی و ایرانی است. ایرانی و فارسی هم که می‌گوییم، نه محدود به این خط سیاسی‌ای است که دور عده‌ای از بشر کشیده شده و آنها را نسبت به دیگران و دیگران را نسبت به آنها بیگانه می‌گویند. این عید، عیدی است که در ترکیه، عراق، پاکستان، افغانستان، تاجیکستان و تمام این مناطق محترم می‌دانند. بهخصوص که اسلام نیز از اوّل با این عید موافق بوده و این جشن و شادی را هم، برای بشر و برای مؤمنین مقرر کرده است و هیچ به عزا و گرفتاری امر نفرموده است چون همه چیز را به دست خدا می‌داند و نه غیر او، آنچه می‌شود امر الهی است.

این عید را بهخصوص به برادران ایمانی ما که عده‌ای در اینجا حضور دارند و یک عده‌ای که ما آنها را گل‌های خانوادگی می‌گوییم در زندان و اسارت هستند ولی جایگاه واقعی آن زندانیان قلب ماست، بدنشان را در آنجا نگه داشته‌اند ولی در دل ما جای دارند، تبریک می‌گوییم. خوشبختانه شنیدم که تا حدی آسایش و آرامش برایشان فراهم شده ولی به هیچ وجه این آرامش‌ها که توأم با تحریر مکتب و تحریر عرفان باشد، جبران نمی‌کند. بنابراین مكتب اسلام از اهمیت و ارزش انسان‌ها صحبت کرده است و می‌فرماید: **وَلَقَدْ كَرَّهْنَا بَنِي آدَمَ**^۱، بنی آدم را گرامی داشته و برای بنی آدم در همه‌ی فصول جشن و شادی مقرر کرده است. چون زمستان و تابستان هر دو مخلوق الهی است و برای ما هر دو یکنواخت است.

مطلوبی که ذیلاً یادآوری می‌شود گرچه بارها صحبت شده و در همه‌ی کتب نوشته شده است، معذک

به عنوان یادآوری عرضه می‌داریم:

۱- پایداری در نگهداشت نوروز و تمام یادگارهای گذشته نه تنها با اسلام مخالف نیست بلکه از خصوصیات اسلام است که در علم حقوق اسلامی هم در مورد آن بحث می‌شود، این است که یکی از نکات مورد قبول اسلام، عرفان است و فقط عُرف و سُنت‌هایی که با اصول دین اسلام مغایر باشد، باید حذف شود. اماً غیر از آن را نگه می‌داریم و قشون اسلام هم هر جا را فتح می‌کرد، این قاعده را رعایت می‌نمود. در مورد عید نوروز هم گرچه مسلمین قاعده‌ی احترام و رعایت عرف‌های محلی را می‌دانستند در زمان حضرت صادق(علیه السلام) نیز حضرت صریحاً فرمودند که این عید را نگه‌دارید و متبرک است و ادعیه‌ای هم برای آن فرمودند یعنی توجه خاصی داشته‌اند که همین دعایی است که هنگام تحويل سال می‌خوانیم.

۲- دستورالعمل و برنامه‌ی کاری که پیغمبر عظیم الشأن ما را از صورت ظاهر یک فرد عادی به بالاترین موهبت و مقام رسانید در واقع، **قرآن** کریم است که حاوی دستوراتی است که خداوند به بندگان خود داده است.

۱. سوره اسراء، آیه ۷۰.

بنابراین قرآن را با دقّت بخوانید. قرآن برای سر قبر و یا مردها نیست. قرآن برای زنده‌ها و آینده‌ی زندگی بشر است. منتها قرآن که می‌خوانید با دقّت و توجه در معنای آن بخوانید تا از هر کلمه و هر جمله‌ی آن نتیجه‌ای عاید فکر شما بشود و برنامه‌ی زندگانی قرار دهید.

۳- یکی از آثار مستقیم، نه غیر مستقیم از حضور در مجالس فقر و درویشی که مورد نظر است، آشنایی با اصول اسلامی و آشنایی با مشیت الهی است. حضور مرتب و مستمر در مجالس فقری شبههای جمعه و دوشنبه و رعایت نظم و سکوت و حال توجه و مراقبه در مدت زمان مجلس دارای نتایج و فواید زیادی برای فقرا بوده و مرتباً یادآور تعهدات اخلاقی، فقیر است و همچنین نشان‌دهندهی همدلی و همبستگی و انسجام و وحدت فُقرا است.

-۴- شیرازهی دین اسلام، ولایت است. ولایت در درجه‌ی اول به پیغمبر و مؤمنین و ائمه، قوام دارد. مبنای ولایت، قرآن است که می‌فرماید الله وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا^۱ یا آیه‌ی إِنَّمَا وَلِكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقْيِمُونَ^۲ الصَّلَاةَ وَيَنْهَوْنَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِبُونَ^۳ و بعد از آن هم به ائمه می‌رسد. هسته‌ی اساسی دین اسلام، ولایت است، که به معنی قبول سلطه‌ی الهی بر خویش و احساس این امر است. بنابراین ولایت در نزد هر شخصی باشد، مورد احترام مؤمنین است. مؤمنین می‌دانند که این افراد همیشه در حیاتند و عَنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزَقُونَ^۴ در مورد آنان هم گفته شده است. بنابراین زیارت قبور بزرگان مذهبی بسیار پسندیده است، چون آنان زنده هستند و ولایتی را که مرگ ندارد و ولایتی دائمی است در زمان حیات خود متجلی می‌ساختند، بنابراین احترامشان بر ما واجب است. در این زمینه البته مزار سلطانی بیدخواست که چهار نفر از بزرگان عرفان در آنجا مدفون هستند، مورد احترام فُقرا هست و برای اینکه همگان از این زیارت بهره‌مند شوند، رعایت نظم و ترتیبی را که در اعلامیه‌ها گفته شده است انشاء‌الله اجرا خواهید نمود و فقرای بیدخواست عزیز که خود خادمان افتخاری این آرامگاه نورانی هستند باید الگوی دیگران در حضور در محالس، فقری و نماز جماعت باشند.

۵- دشمنان فقر و تصوّف، دشمنان عقیدتی هستند و لای ملت ایران صلح طلب و صلح جو می‌باشند و این دشمنان ترفندهای مختلفی را به کار می‌برند. یکی از این ترفندها، ایجاد اختلاف در عقاید است تا خود مؤمنین به دو گروه تقسیم شده و با هم سیزده کنند. دشمنی دیگر، از طریق دیگری است که اعتقاد افراد به صلاح و نیکی را متزلزل کنند و در این مورد قرآن فرموده است **الَّذِينَ يُجْهَنَّ أَنَّ شَيْعَ الْفَاجِحَةِ**^{۱۰}، آنهایی که بین مؤمنین اعمال ناشایست و یا اخبار ناشایست و دروغ رواج می‌دهند که گناه رواج پیدا کند، آنها از دشمنان دین و مذهب هستند. ترفند دیگر که همان نوعی رواج فاحش و فساد است، ابتلاء به مواد مخدر و محرمات می‌باشد و از افتخارات سلسله‌ی ما این است که در صدوپنجاه سال پیش استعمال مواد مخدر را در فقرا تحريم فرمودند؛ یعنی در واقع بر مسلمین تحريم کردند ولی دشمنان عقیدتی ما به این نکته هم توجه ندارند.

۶- خداوند در قرآن **أمت** اسلامی یعنی مسلمان‌ها را به عنوان **أمت** وسط و معتمد شمرده است و بنابراین در تمام رفتار و گفتار و نوشته‌جات **بـهـيـجـوـجهـ** اغراق نکنید و باید از اغراق‌هایی که خیلی متداول است، دوری کنیم؛ ان شاء الله.

۱. سوره بقره، آیه ۲۵۷ / ۲. سوره مائدہ، آیه ۵۵ / ۳. سوره آل عمران، آیه ۱۶۹ / ۴. سوره نور، آیه ۱۹.



۷- قرآن به ما خبر می‌دهد که وحی الهی بر موسی نازل شد و به آن حضرت فرمود، (یعنی خطاب به پیغمبر ما فرمود که) **وَكَذَّبُوكُمْ يَا يَوْمَ اللَّهِ**، یعنی به موسی فرمود که ایام الله را به یاد آنها بیاور و سفارش شده به آنان یادآوری کن که آن را نگهداری کنند، تمام ایامی که یک سرور و پیروزی معنوی برای آنها حاصل شده، وقتی که از اسارت فرعون خلاص شدند و وقتی که در مقابل گوساله‌پرستان گول نخوردند و به وحدت گراییدند. تمام این روزها از قبیل تمام ایامی است که ارزشی و نقشی دارد. بنابراین در اسلام هم این ایام الله هست. البته در بعضی موارد ایام الله روزهای مشخصی مانند تولد پیامبر و ائمه، عید غدیر، عید قربان و عید فطر می‌باشد. ولی ایام الله دیگری هم هست که در هر زمان به مناسبت‌های اجتماعی این صفت را به خود می‌گیرد. روز درویش یعنی سوم اسفند که فقرا وحدت و هماهنگی خود را نشان دادند و دلبستگی آنها به یکدیگر و اینکه دل‌هایشان به هم راه دارد، برای همه‌ی فقرا جشنی بود که به این مناسبت باید این روز را **ما هم توجه کنیم**، همانطوری که تمام ایرانی‌ها و حتی در خارج، به این نکته واقف شده‌اند.

۸- در عرفان، بانوان جایگاه والای دارند و مسئولیت خطیری در تربیت نسل جوان داشته و در ساختن آینده‌ی فرزندانشان نقش مهمی به‌عهده دارند و نباید فساد جامعه را بهانه‌ای برای بی‌بندوباری و دوری از معنویت قرار دهند که یک نفر مثل زن فرعون ایمان و مکتب خود را با فداکاری خود حفظ نمود و به رنگ جامعه‌ی فرعونی در نیامد. توجه به این نکته‌ی مهم قرآنی برای خواهران ایمانی لازم است تا در حفظ عفت و حجاب و مسئولیتی که در ملاقات‌ها و دیدوبازدیدهای خانوادگی دارند به وظایف شرعی و فقری خود که متعهد گردیده‌اند، پایبند باشند و همچنین در مجالس فقری حتی‌الامکان از بروز حالات درونی خود اجتناب نمایند.

۹- غالباً جدایی‌ها و کدورت‌های بین مؤمنین منشأ مادی دارد و اختلاف در مسائل دنیوی و مالی، زیان و آفت مهر و محبت می‌باشد. در آغاز سال جدید همانطور که به نظافت خانه می‌پردازیم، خانه‌ی دل خود را از هر گونه تیرگی و کدورت پاک نماییم و با یکدیگر با صلح و صفا، دیدار و آشنا نماییم و در شرکت و تجارت و قرض دادن و سایر تعهدات مادی براساس آیه‌ی ۲۸۲ سوره‌ی مبارکه‌ی بقره رفتار نماییم و دقّت و محکم کاری نموده تا در نتیجه، روابط دنیوی و مادی بر پیوندهای معنوی غلبه ننماید و دوستی و برادری ایمانی به قهر و جدایی تبدیل نگردد. (هر تعهد را بنویسند).

۱۰- مكتب تشیع (شیعه‌ی حقیقی) معتقد است که سیاست به معنی واقعی آن جزء دین و لازمه‌ی مسلمانی است. همانطوری که در زیارت جامعه‌ی کبیره خطاب به آن بزرگواران می‌خوانیم، **وَأَئُمْمَةُ سَاسَةُ الْعِبَاد** (شما سیاست‌مدارترین بندگان هستید) زیرا سعی و همت ائمه‌ی علیهم السلام در هدایت و ارشاد مردم به سوی خدا و نگهداری دین و حفظ مسلمین بود و حتی بعضی از اصحاب ضعیف‌الایمان چون سیاست‌های معاویه را می‌دانند دچار شببه شده و ایراد می‌گرفتند، سؤال خود را به امیر المؤمنین علی (علیهم السلام) عرض کردند، آن حضرت فرمود: آنچه در معاویه است و بدان عمل می‌کند، شیطنت است و کوردلان دنیاطلب فریفته‌ی آن شده و آن را سیاست می‌دانند، اگر ~~و علیت~~ تقوا لازم نبود، به این معنی سیاست‌مدارترین مردم بودم. پس مسیر پرهیزکاری و دینداری با



سیاست به معنی فریبکاری فرق دارد، عالم فقر به پیروی از مولای خود از سیاست حقه بازی و مردم‌فریبی دوری جسته و دخالت در این نوع سیاست را مانع درویشی می‌داند اما سیاست حقیقی را دارند و دین را آلت و وسیله‌ی رسیدن به مطامع دنیوی قرار نمی‌دهند. بدیهی است به دست آوردن آگاهی‌های سیاسی و اطلاع از اوضاع سیاسی جامعه‌ی خود و جامعه‌ی جهانی و فعالیت‌های سیاسی، مشروط به آنکه خلاف شرع مطهر نبوده و در جهت خدمت به همنوعان و هموطنان باشد، پسندیده است.

۱۱- دعا که خواندن خداست، به دل است که زبان هم اگر همراهی نموده و با حال توجه بگوید مؤثر می‌باشد، نور امید را در دل روش نگهداشته و یأس که در حکم کفر است و مؤمن را از تلاش و مجاهده باز می‌دارد، از بین می‌برد. در طلیعه‌ی سال جدید با همدلی یکدیگر و از صمیم قلب برای همه، نیکی‌ها و پاکی‌ها را از درگاه خداوند خواسته و با توبه و اนา به به درگاه الهی از همه‌ی گناهان استغفار نماییم تا با زلال رحمتشن پلیدی‌ها و آلدگی‌های روح همه‌ی ما را شسته و قدرت پیمودن راه سیر و سلوک به طرف خود را به ما عنایت فرماید زیرا: **بی‌عنایات حق و خاصان حق گر مَلَک باشد، سیاه هستش ورق**

و بدانیم که خداوند هر خیری را که اراده کند به دست مؤمنین اجرا می‌فرماید. خداوند هم این عنایت را به مؤمنین داشته و می‌فرماید: **هُوَ الَّذِي أَيَّدَكَ بِنَصْرٍ وَبِإِيمَانٍ**^۱، پس با زبان دل و سر این دعا را می‌خوانیم: **رَبَّنَا آمَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا وَارْحَنَّا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ**.^۲

هم دعا از تو، اجابت هم ز تو ایمنی از تو، مهابت هم ز تو
گر خطا گفتیم، اصلاحش تو کن مصلحی تو، ای تو سلطان سُخُن
کیمیا داری که تبدیلش کنی گرچه جوی خون بُود، نیلش کنی

۱۲- ظهور و خروج حضرت قائم آل محمد(عجل الله فرجه الشریف) غایت آمال عارفان بالله و مقصد نهایی سالکان الى الله است. تجدید عهد با ولی زمان نعمتی است که در دسترس فقرا بوده و باید توفیق بهره‌مند شدن از این نعمت را از خداوند بخواهیم تا طعم ثمره‌ی این بیعت را خداوند به ما چشانیده و قبول ولایت مولا در قلب مؤمن جلوه کند، لذا با اجرای احکام شریعت و آداب طریقت و بیداری اسحاق و قرائت قرآن و دوام طهارت و شفقت به خلق خدا و تواضع نسبت به مؤمنین و از دل بیرون نمودن هر نوع تیرگی و کدورت و خودخواهی و انانیت که بزرگترین حجاب و مانع در تکامل معنوی است، زمینه‌های ظهور آن حضرت را فراهم آورند تا چنانچه طبق مصلحت الهی در عالم کبیر ظهور نفرمود، در دل مؤمن ظهور فرماید و آن را عرش الهی و محل تابش انوار نامتناهی ساخته و وجود مؤمن را پر از صلح و صفا نماید که معنی انتظار حقیقی همین است.

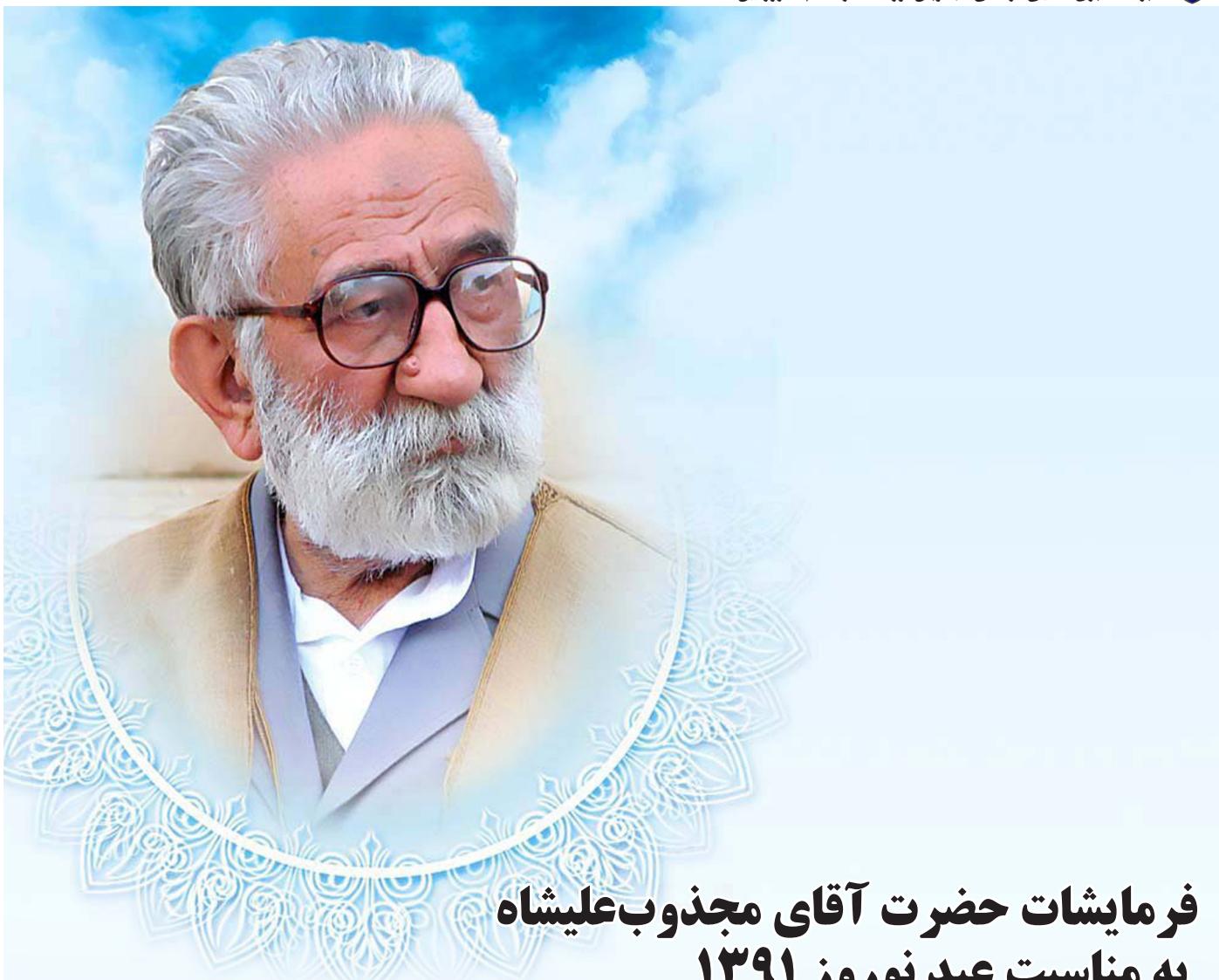
منتظر چشمی به هم یک چشم باز کز کدامین سو رسد صید نیاز

منتظران را به لب آمد نفس ای ز تو فریاد، به فریکاد رس

التماس دعا؛ حاج دکتر نورعلی تابنده (مجذوب علیشاه)

سه‌شنبه ۲۷ ربیع‌الثانی ۱۴۴۳ = اول فروردین ۱۳۹۱

۱. سوره انفال، آیه ۶۲ / ۲. سوره مؤمنون، آیه ۱۰۹.



فرمایشات حضرت آقای مجذوب علیشاہ به مناسبت عید نوروز ۱۳۹۱

مجلس صبح سه شنبه ، ۱ فروردین ماه ۱۳۹۱

بسم الله الرحمن الرحيم

صبح مبارک است نظر بر جمال دوست

به هر جهت این اعیاد موجب می شود که ما هر روز دوستان را ببینیم

نهال دوستی بنشان که فردامان به کار آید

درخت دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد

این عید سعید را خدمت شما تبریک می گوییم و همچنین خدمت حضرت صادق(ع) که خود ایشان در این روز عید تقریباً همراهی کردند و با دادن چند ادعیه در مراسم ما ایرانیان شرکت کردند، ما وقتی در بین ملت هایی که دین اسلام را پذیرفتند نگاه می کنیم، می بینیم غالب این ملت ها دین را پذیرفتند و نزد اسلام را هم قبول کردند، مثلاً کشورهای شمال آفریقا و کشورهای دیگری که ما دیگر عرب حساب می کنیم، مصر، سوریه و لیبی این کشورها عرب نبودند، دین اسلام را پذیرفتند، عرب بودن را هم پذیرفتند، یعنی عرب شدند. ولی ایران تقریباً تنها کشوری است که اسلام را پذیرفت و به داشتن اسلام افتخار می کرد، می کند و خواهد کرد، به اسلام خدمت های بنیانی و فراوانی کرد، بنیان محکمی گذاشت ولی اسلام را هم پذیرفت، نه اینکه آنچه داشت تکمیل کرد. همان فرمایشی که پیغمبران سلف فرموده بودند، حضرت عیسی(ع) فرمودند که من نیامدم که دین برادرم (پیغمبر قبلی) را نسخ کنم بلکه آمدم آنرا تکمیل کنم، ما این را پذیرفتیم. آنچه آداب، رسوم و معرفت در دین خودمان بود حفظ کردیم و عظمت اسلام را پذیرفتیم، با عظمت اسلام خودمان عظمت پیدا کردیم. اسلام با اول ملتی که برخود کرد ملت ایران آن روز بود که آداب و رسوم خاص خود را داشتند، وقتی که مسلمین کشورهای دیگر را گرفته بودند و ایران را هم گرفتند، مسیحی ها یا یهودی ها غالباً مسلمان می شدند و بعضی ها هم مسلمان نمی شدند، در دین خودشان باقی می ماندند دین الهی، اسلام هم قبول داشت و جزیه ای می دادند، جزیه یعنی اینکه ما بدون اینکه زحمات حکومت هایمان را اجر بدھیم با دین خودمان می خواهیم باشیم، ولی خوب چون تحت لوای اسلام زندگی می کنیم باید هزینه ای حکومت را بدھیم. اول بار هم در مورد ایران این مشکل برخورد کرد، چون در عربستان فقط یهود و نصارا می شناختند، هیچ کدام (ایرانی ها) نمی گفتند ما یهودی یا نصارا هستیم، نمی گفتند ما اسلام را قبول می کنیم، همه به دین خودشان باقی بودند، می گفتند ما زرتشتی

هستیم، ولی به تدریج ایرانی‌ها اسلام را با دل قبول کردند، نه با شمشیر! به این جهت دین اسلام علی رغم سایر ادیان که می‌گفتند دین اسلام دین شمشیر است، ولی دین شمشیر نبود. شمشیری که آنها تصور می‌کردند مثل داروی شفا بخشی است، بچه‌ها و بیماران غالباً از خوردن دواهای تلخ خوششان نمی‌آمدند، رد می‌کردند ولی به زور ابوبن به آنها می‌دادند، ولی به تدریج خود ایرانی‌ها فهمیدند این دین تکمیل کننده‌ی دین خودشان است، ایرانیان آن زمان در خاطره و تاریخشان بود که کوروش وقتی که با بل و سایر سرزمین‌ها رو فتح کرد، به عبادتگاه آنها می‌رفت و با احترام به عبادتگاه نگاه می‌کرد، کوروش دین را به زور تحمیل نکرد، بعد دیدند که این روش کوروش را مسلمین‌ها عمل می‌کنند، بنابراین با دین اسلام در واقع یکی شدند تا ری و نزدیک خراسان اسلام با لشکر کشی فتح کرد و آنچه را به دست گرفت، از آن تاریخ خود مردم مسلمان شدند و لشکر کشی عنوان نبود، مهمترین قاعده‌ای که در برخورد حکومتِ افکار قبلی و حکومت جدید اسلام موجب قبول واقع شدن اسلام می‌شد این بود که اسلام با عرف ملت‌ها مخالف نیست، اسلام هر جا عرف و عاداتی وجود داشت که اسلام منع نکرده بود آنها را قبول می‌کرد و به همین دلیل هم ما که وارث افکار گذشتگان هستیم در شروع هر سازمان و نظامی دو نیروی معنوی داشتیم، یکی نیروی معنوی مذهب که در واقع اسلام بود، و دیگری غیرت ملی، این دو نیرو بود، این دو نیرو در جامعه‌ی ایرانی از اول با هم همراه بود نه با هم مخالف! ولی چه شد یک مدت کوتاهی این دو نیرویی که با هم همراه بودند، آنها را برگردانند خد هم باشند، یکی از این طرف و دیگری از آن طرف بکشد. خوشبختانه خُب مدت زیادی طول نکشید که ملت ایران خودشان فهمیدند که هر دو این نیروها در نظر ما مقدس است، سلمان فارسی بهترین سَمْبَل و نمونه‌ی برخورد ایران با اسلام و اسلام با ایران است، سلمان فارسی از بزرگان مذهبی زرتشت بود، یعنی مانند یک مجتهد، مرجع همه‌ی مردم بود. و او چون در ک کرده بود که خداوند دین را تکمیل می‌کند، یعنی هر درفعه آنچه را می‌فرماید کامل تر از گذشته است. در گردش افتاد و آنچه مشهور گفته اند حتی مدتی یهودی بود، بعد از یهودیت چون دید عیسیٰ ظاهر شده است و دین بعدی است، مسیحی شد و بالاخره آمد مسلمان شد، این به اندازه‌ای اهمیت داشت که بعضی از متخصصین و قشریون دین زرتشت، که در همه‌ی ادیان هست، از سلمان به عنوان کافر و مرتد ذکر می‌کنند، فرض کنید دوای اندکی تلخ ولی شفا بخش اگر خداوند مقرر کند ولی مع ذلک نخورند، خداوند با اجراء هم به خود آنها می‌دهد ولی همپیشگی نیست به همین اندازه است که خود آن شخص توجه کند. چون خداوند بشر را به عنوان خلیفه در زمین آفریده است که فرمود: «...إِنَّى جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (سوره بقره- آیه ۳۰) بنابراین خود خداوند به این مخلوق خودش یک ارزشی داد و بنابراین بعد از مدتی که گذشت به خود آینه‌ها و اگذار کرد که ببینند چه روشی را اختیار کنند، به هر جهت الان راه صحیح، راهی است که تمام گذشتگان و گذشته‌های مقدس خودمان را حفظ کنیم، الان فرض کنید علم طب یا علم نجوم خیلی پیشرفت کرده است و حتی می‌توان گفت نجوم و هیئت قدیم تقریباً منسخ شده ولی کتبی که از آن زمان وجود دارد مورد احترام همه جهان است و هیچکس این سابقه‌ی علمی را فراموش نمی‌کند. بنابراین ما هم باید این سوابقی که ملت ایران دارند، شاید برای ما فرمایش پیغمبر در این قسمت کافی باشد که فرمود اگر علم در ثریا هم باشد مردانه از هموطنان این شخص - اشاره به سلمان فارسی کردند - آنرا پیدا می‌کنند، این تجلیلی بود که پیغمبر فرمود. بنابراین ما با این تجلیل، هرگاه این رعایت را نکنیم به فرمایش پیغمبر(ص) توهین کردیم، و البته در قشریون ممکن است کسی که عقایدی داشته باشد این فرمایش را قبول نکند، اینرا هم که فرمودند:

ما ز قرآن مغز را برداشتیم
پوست را بهر خران بگذاشتیم

این شعر را مولوی گفته است، البته او خیلی غلو کرده و غرور به خرج داده است. ولی مع ذلك ایرانیان اولیه از اسلام با مغز کار داشتند نه با پوست! و اینک که به ما رسیده، ما هم همین مسئولیت را داریم یک ذره از اهمیت عید نوروز نباید در نظر ما کم شود و یک ذره از عبارات بزرگان اسلام و آداب اسلامی از نظر ما محظوظ نمی شود ما عید نوروز را جشن و عید می گیریم برای اینکه اجداد ما از چند هزار سال پیش عید می گرفتند و انتخاب بسیار جالبی هم هست برای اینکه در فصل بهار در مقابل شادی مردم است در مقابل عید قربان و عید فطر را هم داریم آنها را هم مقدس می دانیم و حتی غالباً اگر در هر چند سالی یکبار اینها با هم یک روز واحدی باشند به احترام عید مذهبی آنرا را رعایت می کنیم و مثلًا اگر ایام عزای ما نزدیک عید نوروز بود مراسم عید نوروز را اندکی کمتر می کنند و به روزهای دیگر انتقال می دهند؛ برای اینکه نمی خواهند از اهمیت هیچکدام کاسته شود بنابراین انسان تعجب می کند از اینکه بعضی ها این دو را بر هم ترجیح می دهند، اینها را نمی شود ترجیح داد ما دو چشم داریم، کدام چشم را دوست داریم؟! هر دو چشم هست. دو گوش داریم، آنها را به یکدیگر ترجیح می دهید؟! به ممکن است بعضی وقایع اتفاق بیفتند تصادفاً مثلای یکی از گوشها یمان کر شود آنرا هم ما ترجیح نمی دهیم، طبیعت الزام می کند. بنابراین وقتی که پیغمبر هم می فرماید آمده ام دین برادرم را تکمیل کنم، ما باید بدانیم که با هم برادر هستیم، انشالله این عید بر همه ی مسلمین و بلکه بر همه ساکنین کره ی زمین مبارک باشد، به همان شکلی که دین اسلام دین صلح است و اساس و مغز اسلام هم که عرفان باشد، دین صلح و سلام است، انشالله در کره ی زمین تمام مخلوقات کره ی زمین به عکس آنچه اکنون می بینیم، از اینکه هزینه ها و ثروت هایشان را خرج تانک و تفنج کنند منصرف شوند با صلح زندگی کنند، همه ما بندگان و مصنوع خدا هستیم، خداوند خلاقی است که تمام مخلوقش را دوست دارد برای اینکه اگر دوست نداشت نمی آفرید هر که را خداوند آفریده او را دوست دارد مثل مجسمه سازی که همه ی مجسمه ها گرچه قشنگ هم نباشند دوست دارد، ما هم انشالله همانطور که مورد این لطف خداوند هستیم لیاقت پیدا کنیم که مورد لطف خاص او قرار بگیریم.



پارکهای خبری در این پا

سلسله نعمت اللهی گنابادی
Nematollahi Gonabadi order News Site**مجذوبان نور**

انتقال حمید آرایش به زندان عادل آباد شیراز



حمید آرایش پس از تحمل ۴ روز حبس در قرنطینه بازداشتگاه مرکزی شیراز به زندان عادل آباد شیراز منتقل شده است.

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور، این درویش گنابادی که در تاریخ ۱۸ اسفند ماه توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی بازداشت شده بود پس از آنکه مدتی را در بازداشتگاه نیروی انتظامی کوار تحت بازجویی گذاشت به بازداشتگاه مرکزی شیراز منتقل شد و به مدت ۴ روز در قرینه این بازداشتگاه که به لحاظ بهداشتی در وضعیت بسیار وخیمی قرار دارد و تراکم جمعیت در آن خارج از ظرفیت قرنطینه است نگهداری می شد و در تاریخ ۲۵ اسفند سال گذشته به زندان عادل آباد شیراز منتقل شد.

هم اکنون ۳ درویش گنابادی آقایان حمید آرایش، کاظم دهقان و صالح مرادی سروستانی در زندان عادل آباد شیراز به اتهامات اقدام علیه نظام و اتهام واهی عضویت در گروهک انحرافی در بازداشت هستند و کسری نوری که در تاریخ ۲۴ اسفند سال گذشته مجدداً بازداشت شد هم اکنون در بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز معروف به پلاک ۱۰۰ نگهداری میشود.

لازم به ذکر است که در این بین آقای صالح مرادی از درویش گنابادی بیش از ۶ ماه است که در زندان عادل آباد شیراز نگهداری می شود و با فشار نیروهای امنیتی به مقامات قضایی قرار بازداشت این درویش گنابادی بصورت مستمر تمدید می شود.

کاظم دهقان دیگر درویش گنابادی که وی نیز در کوار بازداشت و در بازداشتگاه اطلاعات نیروی انتظامی تحت بازجویی قرار داشت اکنون در بند ۱۰ زندان عادل آباد شیراز در وضعیت نگران کننده ای به سر برده و سلامت وی به دلیل ضرب و شتم های دوره بازجویی و وضعیت وخیم بهداشتی زندان در خطر است.

محکومیت ۵ درویش گنابادی در شهرستان های الشتر و پل دختر



پرویز ملکشاهی مجلس دار شهرستان الشتر لرستان به ۶ ماه حبس تعزیری محکوم شد.

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور، حکم محکومیت این درویش گنابادی به اتهام واهی توهین به رهبری از سوی شعبه ۱۰ دادگاه تجدید نظر لرستان تایید شده و در هفته گذشته به ایشان ابلاغ شده است.

شایان توجه است پرویز ملکشاهی در خداداده ۸۹ توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی بازداشت شده بود و از آن تاریخ تا کنون وزارت اطلاعات با فشار به قوه قضاییه سعی در محکوم کردن این درویش گنابادی به اتهاماتی چون توهین به مامور، تمرد از دستور و فعالیت تبلیغی علیه نظام داشت که با وجود تبرئه وی از این اتهامات اکنون با صدور حکم قطعی ۶ ماه حبس به اتهام توهین به رهبری برای ایشان عدم استقلال قوه قضاییه بار دیگر موجب تضییع حقوق درویش گنابادی در دادگاه های حاکمیت شده است.

همچنین آقایان رضا قوامی، حسین فرجی، نعمت حیدری و عبدالرضا از درویش شهرستان پل دختر دائمی هر کدام به ۶ ماه حبس تعیقی به مدت ۲ سال محکوم شدند.

به گزارش خبرنگار سایت مجذوبان نور، این ۴ تن که از درویش گنابادی ساکن شهرستان پل دختر استان لرستان می باشند به اتهام فعالیت تبلیغی علیه نظام به دلیل شرکت در مجالس عبادی درویش گنابادی در دادگاه انقلاب شهرستان پل دختر محکوم شده اند. لازم به ذکر است، این ۴ تن سال گذشته توسط نیروهای امنیتی و لباس شخصی بازداشت شده بودند.



عدم رسیدگی و خامت جراحت دست رضا انتصاری، درویش زندانی در بند ۳۵۰



به گزارش خبرنگار مجذوبان نور، رضا انتصاری که در تاریخ ۱۳ شهریور ماه توسط ماموران وزارت اطلاعات دستگیر و به دلیل هجوم ماموران در هنگام دستگیری، از ناحیه دست به شدت مجرح شده بود، اکنون بعد از گذشت ۳ ماه از انتقال وی به بند ۳۵۰ همچنان مامورین امنیتی و مسئولین زندان از انتقال این درویش گنابادی به بیمارستان برای ادامه درمان جلوگیری کردند. لازم به ذکر است که شدت این جراحت طوری بوده است که پس از دستگیری و در زمانی که وی در بند ۲۰۹ تحت بازداشت و بازجویی قرار داشت به بیمارستان منتقل شده و تحت عمل جراحی قرار گرفت ولی با وجود دستور پزشک به فیزیوتراپی، ادامه درمان صورت نگرفت وی را پس از عمل جراحی برای ادامه بازجویی به بند ۲۰۹ بازگرداند و همین موضوع باعث شد که انگشت وی کچ جوش خورد و قادر به خم شدن از ناحیه مفاصل نباشد و نیاز به عمل مجدد دارد که علی رغم ۳ ماه پیگیری همچنان جهت مداواه به بیمارستان منتقل نشده است.

این در حالی است که زمانی که خانواده وی که از وضعیت دست وی ابراز نگرانی کردند، مامورین زندان اجازه ملاقات حضوری به آنها نداده که همین امر باعث افزایش نگرانی آنها نیز شده است. بنا به این گزارش افشین کرمپور از وکلای زندانی درویش گنابادی که در بند ۳۵۰ اوین به سرمهی بردن نیز از ناحیه مچ پای چپ دچار شکستگی شده و قرار بوده است که به بیمارستان طالقانی اعزام شود اما به دلیل امتناع از استفاده از دستبنده، اعزامش لغو شد.

بازداشت مجدد کسری نوری از دراویش گنابادی



به گزارش سایت مجذوبان نور؛ مامورین امنیتی صبح روز چهارشنبه ۲۴ اسفند پس از مراجعت به منزل کسری نوری در شیراز پس یک ساعت و نیم تفتیش منزل، این درویش گنابادی را به اتهام مصاحبه با رادیوهای بیگانه بازداشت کردند. طبق این گزارش تفتیش و بازداشت این درویش گنابادی با ایجاد رعب و وحشت و توهین به خانواده این درویش گنابادی از طرف مامورین امنیتی صورت گرفته است.

این در حالی است که این درویش گنابادی در تاریخ ۲۱ دی ماه نیز به اتهام فعالیت شبانه روزی و اقدام علیه نظام و عضویت در گروهک انحرافی بازداشت شده بود و پس از یک ماه بازجویی و حبس در بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز معروف به پلاک ۱۰۰ به بازداشتگاه مرکزی زندان عادل آباد منتقل شد و سپس در تاریخ ۷ اسفند پس از ۴۶ روز حبس در بازداشتگاه اداره اطلاعات و زندان مرکزی شیراز با وثیقه ۵۰ میلیون تومانی آزاد شد.

دلیل بازداشت مجدد این درویش گنابادی مصاحبه ای بوده که کسری نوری پس از آزادی با رادیو فردا در مورد نحوه بازجویی، برخورد بازجویان و شرایط بازداشت و اتهامات و شرایط بازداشتگاه پلاک ۱۰۰ و زندان مرکزی شیراز انجام داده است. کسری نوری در مصاحبه ای که با رادیو فردا داشته از وضعیت اسفبار بازداشتگاههای نیروی انتظامی که در بدترین وضعیت بهداشتی قرار دارند و برخورد غیر انسانی مامورین و بازجویان که همراه با شکنجه و خلاف قوانین حقوق شهروندی می باشد صحبت کرده بود.

از شهریور ماه سال گذشته بیش از ۲۰۰ درویش گنابادی در ایران بازداشت شده‌اند که به تدریج پس از تهییم اتهام و توجیح وثیقه یا کفالت آزاد شده‌اند ولی همچنان ۱۲ درویش گنابادی که پس از وقایع شهر کوار استان فارس بازداشت شده‌اند در زندان‌های اوین و عادل آباد نگهداری می‌شوند که از این بین ۸ تن از این دراویش که شامل مدیران و پرسنل سایت مجذوبان نور نیز هستند بیش از ۶ ماه است که در بندهای امنیتی زندان اوین در بازداشت هستند و یک تن دیگر از چهار تن دراویش نیز در بازداشتگاه اداره اطلاعات شیراز و زندان مرکزی عادل آباد شیراز نگهداری می‌شود.



سرو تغذیه شدید در اویش زندانی در بند ۳۵۰



عدم رسیدگی پزشکی و وضعیت بد تغذیه منجر به کم خونی و فقر شدید آهن برای دراویش زندانی در بند ۳۵۰ اوین شده است.

به گزارش خبرنگار سایت مجدوبان نور؛ در روزهای گذشته از وکلا و پرسنل سایت مجدوبان نور که بیش از شش ماه است در بند امنیتی ۳۵۰ زندان اوین در بازداشت بسر میرند آزمایش خون گرفته شده است که نتیجه‌ی آن گویای کم خونی و کمبود شدید آهن می‌باشد.

بنا به این گزارش دراویش زندانی نسخه‌های پزشک زندان را که پس از آزمایش تجویز شده برای تهیه دارو، در اختیار خانواده خود قرار داده‌اند. داروهای تجویز شده همگی برای بیمارانی می‌باشد که از کم خونی و کمبود ویتامین و فقر شدید آهن رنج میرند می‌باشد که نتیجه سوء تغذیه دراویش در بند بوده و باعث نگرانی خانواده دراویش زندانی شده است.

موضوع تغذیه زندانیان در قانون (آئین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تامینی مصوب ۸۴/۹/۲۰) تصریح شده است.

مطابق ماده ۹۵ قانون فوق حداقل برنامه غذایی زندانیان عبارت است از دادن سبزیجات، میوه، گوشت حداقل سه نوبت در هفته، اقلامی که در جیره زندانیان به طور عام وجود ندارد.

بر اساس گزارش رسیده، در حال حاضر تقریباً ۹۰ درصد از جیره نهار بند ۳۵۰ به دلیل کیفیت نامناسب در سطل‌های زباله، ریخته می‌شود. همچنین، کیفیت نامناسب برنج و خورش‌هایی که اغلب آبکی، بدون طبخ مناسب، فاقد گوشت و سرشار از سویا است، موجب شده که روزانه توسط زندانیان غذای جایگزین با اقلامی که به صورت هفتگی توسط زندانیان تهیه می‌شود آماده شود.

تاكيد آئين نامه زندان‌ها مبنی بر لزوم استفاده از گوشت در غذای مصرفی تا چندین ماه پیش به صورت نمادین رعایت می‌شده است و در غذای تحويلی به بند ۳۵۰، مقدار کمی گوشت به همراه انبوهی از سویا وجود داشت، اما از آکنون همان رعایت صوری قانونی نیز فراموش شده و در غذای تحويلی به زندانیان بند ۳۵۰ گوشتی مشاهده نمی‌شود.

این اقدام خلاق قانون از سوی زندانها با توجیه نبود بودجه کافی اعلام می‌شود و این در حالی است که در اغلب بندهای زندان اوین، هزینه‌های سازمان زندانها در حداقل خود قرار دارد.

برخلاف تصریح آئین نامه زندان‌ها، در حال حاضر در اغلب بندهای زندان اوین، حتی هزینه تاسیسات و امکانات اولیه از سوی زندانیان تامین می‌شود. در بند ۳۵۰ زندان اوین غیر ساختمن و تخت‌های موجود، قریب به اتفاق امکانات توسط زندانیان تهیه شده است. اقلامی همچون یخچال و فریزر، گاز، کولر، تلویزیون، فرش، قابلمه، کاسه، بشقاب، قاشق و چنگال، لیوان و پارچ، ترئینات و پرده، صندلی و... با هزینه شخصی برخی از زندانیان تهیه شده است.

این در حالی است که بنا به تصریح بندهای ۲۴۰ تا ۲۴۲ موضوع بخش مددکاری قانون زندانها، مسئولان زندان موظف به تامین نیازهای مادی زندانیان و خانواده آنها شده‌اند. هزینه تغذیه متعادل هز زندانی با وصف صورت گرفته ماهانه حداقل یک میلیون و ۲۰۰ هزار ریال ارزیابی شده است که عموماً برای جبران کمبودهای غذایی، نظیر میوه و سبزیجات، گوشت و لبیات صورت می‌گیرد.

همچنین، پزشکان حاضر، ارزش غذایی جیره واره شده به بند ۳۵۰ را با توجه به دور ریز ۹۰ درصد اقلام تحويلی به بند، چیزی در حدود صفر می‌دانند، حال آنکه به گفته آنان، می‌توان با طبخ همین مواد غذایی و مصرف آن از سوی زندانیان، این ارزش غذایی را ارتقاء داد.

در حال حاضر، غیر از صحبانه که با کاهش بودجه از میزان و حجم آن نیز کاشته شده است.

غیر از جیره شام که به صورت عدس که مورد اقبال زندانیان قرار دارد، و در هفته ۲ بار به زندانیان عرضه می‌شود، تنها جیره تحويلی قبل استفاده از سوی زندانیان همان صحبانه است که کمیت آن بسیار پائین است و نبود میوه جات نیز باعث شده است که به صورت هفتگی حدود ۲۰ میلیون ریال میوه و سبزی وارد بند شود که به طور متوسط ماهانه ۶۰۰ هزار ریال هزینه اضافی به زندانیان و خانواده آنان بار می‌کند.

مراسم عید نوروز با حضور چشمگیر دراویش گنابادی در تهران و دیگر شهرهای ایران برگزار شد



۱۳۹۱

مراسم عید نوروز ۱۳۹۱ شمسی ، صبح امروز همچون سالهای گذشته با حضور چشمگیر دراویش و پیروان طریقت نعمت اللهی گنابادی در تهران و سایر شهرهای ایران برگزار شد . به گزارش خبرنگار سایت مجدویان نور ؛ ساعت ۹ صبح امروز در حسینیه امیرسلیمانی ، جناب آقای دکتر نورعلی تابنده (مجدوبعلیشاه) قطب معظم سلسله گنابادی سخنرانی فرمودند و متن بیانیه نوروزی ایشان نیز قرائت شد .

بنابراین گزارش ، در بخشی از فرمایشات فرمودند :

بنابراین وقتی که پیغمبر هم می فرماید آمده ام دین برادرم را تکمیل کنم،ما باید بدانیم که با هم برادر هستیم، انشاالله این عید بر همه ی مسلمین و بلکه بر همه ساکنین کره ای زمین مبارک باشد، به همان شکلی که دین اسلام دین صلح است و اساس و مغز اسلام هم که عرفان باشد، دین صلح و سلامت است، انشاالله در کره ای زمین تمام مخلوقات کره ای زمین به عکس آنچه اکنون می بینیم، از اینکه هزینه ها و ثروت هایشان را خرج تانک و تفک کنند منصرف شوند با صلح زندگی کنند، همه ما بندگان و مصنوع خدا هستیم، خداوند خلاقی است که تمام مخلوقش را دوست دارد برای اینکه اگر دوست نداشت نمی آفرید هر که را خداوند آفریده او را دوست دارد مثل مجسمه سازی که همه ی مجسمه ها گرچه قشنگ هم نباشند دوست دارد، ما هم انشاالله همانطور که مورد این لطف خداوند هستیم لیاقت پیدا کنیم که مورد لطف خاص او قرار بگیریم.



نوروزنامه

معرفی کتاب:

نوروزنامه منسوب به شاعر گرانمایه و عالی‌قدر ایران خیام است. این کتاب درباره پیدایش جشن نوروز و آداب آن نوشته شده است. حکیم ابوالفتح عیاث الدین عمر بن ابراهیم خیام در ریاضیات و نجوم و فلسفه استاد و سرآمد فضلاً مبرز و حکماء مسلم عصر بوده است و در شمار بزرگ‌ترین شعر و نویسنده‌گان ایران قرار دارد. وی به قرائت، در حدود ۴۰۷ به دنیا آمده و در سال ۵۱۷ در نیشابور درگذشته است. خیام در سال ۴۶۷ به اصلاح و تعديل تقویم فارسی مبادرت ورزیده و درست‌ترین روش گاهشماری را بنیاد نهاده است.

برخی احتمال می دهند که نوروز نامه را شخص دیگری به اقتباس از خیام نوشته (زیرا رساله‌ی ناقص دیگری نیز درباره نوروز در آثار خیام وجود دارد) اما تمامی شواهد تاریخی حاکی از آن است که نوروز نامه را خود خیام نوشته است، علی حصوری در پیشگفتار نسخه تصحیح شده این کتاب می‌نویسد: «نوروزنامه راء، رساله‌ای که در آن حرف بسیار است- منسوب به خیام شمرده‌اند. اما می‌توان اطمینان کرده که خیام یادداشت‌هایی فراهم آورده بود تا از آن کتابی درباره نوروز بپردازد و شاید عمرش وفا نکرده و یا اصلاً به آن نپرداخته و یادداشت‌هایش پس از او به وسیله دیگران به شکل کتاب موجود درآمده است.»

نوروزنامه مشهور ترین اثر فارسی خیام است که دو نسخه خطی از آن در برلین و لندن وجود دارد. این کتاب از نظر ادبی بهترین نثر زمان خود محسوب می شود و اشارات تاریخی مخصوصاً به آیین های ایران قبل از اسلام در آن به وفور یافت می شود .

این کتاب اگرچه صرفا یک کتاب علمی نیست اما توضیحاتی در مورد تقویم، کبیسه ها و دیگر زمینه های نجومی در آن وجود دارد که ارزش این کتاب را بسیار بالا می برد . این کتاب نمونه کاملی از سبک نثر در قرن پنجم است و کلیه مختصات نثر قرن پنجم در آن دیده می شود. روش نگارش این کتاب بسیار ساده و شیوه و خالی از تکلف است. عبارات آن کوتاه و مفردات تازی آن کم است و بعضی لغات و عبارات پهلوی در آن دیده می شود.

نخستین بار مجبتبی مینوی اقدام به جمع آوری و تهییه نسخه ای از این کتاب کرد بعد از وی علی حصوری این کتاب را در سال های ۴۳ و ۵۷ به چاپ رساند ولی این کتاب تا بیست سال بعد اجازه انتشار پیدا نکرد تا اینکه در سال ۱۳۷۹ برای بار دیگر به کوشش آقای علی حصوری توسط انتشارات چشمehr چاپ شد. و در سال ۸۸ برای بار چهارم توسط این تجدید چاپ شد. چاپ کامل تر از چاپ های قبلی آن است و بسیاری از غلط ها و آشagnetی های نگارشی متن تصحیح شده و واژه نامه ای کوچکی نیز در پایان کتاب گنجانده شده است .

چاپ اساطیر نیز در سال ۱۳۸۵ نسخه دیگری از نوروزنامه را به تصحیح مجبتبی مینوی چاپ کرده است .

در کشف حقیقت نوروز



بگشت در مدت سیصد و شصت و پنج روز
به دوازده قسمت کرد هر بخشی سی روز،
و هر یکی را از آن نامی نهاد و به فریشتهای
باز بست از آن دوازده فرشته که ایزد تبارک
و تعالی ایشان را بر عالم گماشته است، پس
آن گاه دور بزرگ را که سیصد و شصت و
پنج روز و ربیع از شبان روزی است سال
بزرگ نام کرد و به چهار قسم کرد، چون
چهار قسم از این سال بگذرد نوروز بزرگ و
نو گشتن احوال عالم باشد. و بر پادشاهان

واجبست آیین و رسم ملوک به جای آوردن از بهر مبارکی و از بهر تاریخ
را و خرمی کردن به اول سال. هر که روز نوروز جشن کند و به خرمی
پیوندد تا نوروز دیگر عمر در شادی و خرمی گذارد و این تجربت حکما
از برای پادشاهان کرده‌اند.

فروردین به زبان پهلوی است، معنی اش چنان باشد که این آن ماه
است که آغاز رستن نبات در وی باشد، و این ماه مر برج حمل راست که
سرتاسر وی آفتاب اندرونین برج باشد.

اردی بهشت ماه، این ماه را از بهشت نام کرده‌اند یعنی این ماه آن
ماهست که جهان اندر وی به بهشت ماند از خرمی، وارد به زبان پهلوی
مانند بود و آفتاب اندرونین ماه بر دور است و برج ثور باشد و میانه بهار بود.
خرداد ماه، یعنی آن ماهست که خورش دهد مردمان را از گندم و جو
میوه و آفتاب در این ماه در برج جوزا باشد.

تیر ماه، این ماه را بدان تیرماه خوانند که اندر جو و گندم و دیگر
چیزها را قسمت کنند و تیر آفتاب از غایت بلندی آفتاب فرود آمدن گیرد،
و اندرونین ماه آفتاب در برج سلطان باشد و اول ماه از فصل تابستان بود.
مرداد ماه، یعنی خاک داد خویش بداد از برها و میوه‌های پخته که در
وی به کمال رسد و نیز هوا در وی مانند غبار خاک باشد و این ماه میانه
تابستان بود و قسمت او از آفتاب مر برج اسد باشد.

شهریور ماه، این ماه از بهر آن شهریور خوانند که ریو دخل بود
یعنی دخل پادشاهان در این ماه باشد و در این ماه بزرگران را دادن خراج
آسان‌تر باشد و آفتاب در این ماه در سنبله باشد و آخر تابستان بود.

مهر ماه، این ماه را از آن مهر گویند که مهربانی بود مردمان را بر
یک دیگر از هر چه باشد از غله و میوه نصیب باشد بدنه و بخورند بهم،
و آفتاب در این ماه در میزان باشد و آغاز خریف بود.

آبان ماه، یعنی آبها در این ماه زیادت گردد از باران‌ها که آغاز کند و
مردمان آب گیرند و از بهر کشت و آفتاب در آن ماه در برج عقرب باشد.
آذر ماه، به زبان پهلوی آذر آتش بود و هوا در این ماه سرد گشته باشد
و به آتش حاجت بود، یعنی ماه آتش، و نوبت آفتاب در این ماه مر برج
قوس را باشد.

دی ماه، به زبان پهلوی دیو باشد به دان سبب این ماه را دی خوانند که
درشت بود و زمین از خرمی‌ها دور مانده بود، و آفتاب در جدی بود و او
اول زمستان باشد.

بهمن ماه، یعنی این ماه به همان ماند و مانند بود به ماه دی به سردی
و به خشکی و به کنج اندر مانده و تیر آفتاب اندرونین ماه به خانه آفتاب
زحل باشد [که] با جدی پیوند دارد.

اسفندار مذ ماه، این ماه را بدان اسفندار مذ خوانند که اسفند به زبان
پهلوی میوه بود یعنی اندرونین ماه میوه‌ها و گیاه‌ها دمیدن گیرد، و نوبت

نوروزنامه در بیان اسباب پیدایش جشن نوروز و کشف حقیقت آن و
این که کدامیک از شاهان واضح جشن نوروز و آین آن بوده و در باب
آداب پادشاهان ساسانی مطالب گوناگونی آمده است. در ادامه قسمت
آغازین این کتاب آورده شده است:

(متن این نثر مربوط به قرن پنجم است)

«اما سبب نهادن نوروز آن بوده است که چون بدانستند که آفتاب را دو
دور بود یکی آن که هر سیصد و شصت و پنج روز و ربیع از شبان روز
به اول دقیقه حمل باز آید، به همان وقت و روز که رفته بود بدین دقیقه
نتواند آمدن، چه هر سال از مدت همی کم شود، و چون جمشید آن روز
را دریافت نوروز نام نهاد و جشن و آین آورد و پس از آن پادشاهان و
دیگر مردمان بدو اقتدا کردند و قصه آن چنانست که چون کیومرث
اول از ملوک عجم به پادشاهی بنشست خواست که ایام سال و ماه را
نام نهاد و تاریخ سازد تا مردمان آن را بدانند. بنگریست که آن روز بامداد
آفتاب به اول دقیقه حمل آمده مؤبدان عجم را گرد کرد و بفرمود که
تاریخ از اینجا آغاز کنند. مؤبدان جمع آمدند و تاریخ نهادند و چنین
گفتند مؤبدان عجم که دانا آن روزگار بوده‌اند که ایزد تبارک و تعالی
دوازده فرشته آفریده است. از آن چهار فرشته بر آسمان‌ها گماشته است
تا آسمان را به هرچه اندروست از اهرمنان نگاه دارد و چهار فرشته را
بر چهار گوشۀ جهان گماشته است تا اهرمنان را گزرنده‌د که از کوه
قاف برگذرند و چنین که چهار فرشته در آسمان‌ها و زمین‌ها می‌گردند و
اهرمنان را دور می‌دارند از خلائق. و چنین می‌گویند که این جهان اندر
میان چون خانه‌ای است نو اندر سرای کهن برآورده و ایزد تعالی آفتاب را
از نور بیافرید و آسمان‌ها و زمین‌ها را بدو پرورش داد و جهانیان چشم بر
وی دارند که نوری است از نورهای ایزد تعالی و اندر وی با جلال و تعظیم
نگرند که آفرینش وی ایزد تعالی را عنایت بیش از دیگران بوده است.

و گویند مثال این چنانست که ملکی بزرگ اشارت کند. به خلیفی از
خلفای خویش که او را بزرگ داشته باشد و گویند چون ایزد تبارک
را بزرگ داشته است ملک را بزرگ داشته باشد و گویند چون ایزد تعالی
و تعالی بدان هنگام که فرمان فرستاد که ثبات برگیرد تا تابش و منفعت
او به همه چیزها بررسد آفتاب از سر حمل برفت و آسمان او را بگردانید و
تاریکی از روشنایی جدا گشت و شب و روز پدیدار شد و آن آغازی شد مر
تاریخ این جهان را و پس از آن به هزار و چهارصد و شصت و یک سال
به همان دقیقه و همان روز باز رسید، و آن مدت هفتاد (و سه بار قران)
کیوان و اورمزد باشد که آن را قران اصغر خوانند و این قران هر بیست
سال باشد و هر گاه که آفتاب دور خویشتن سپری کند و بین جای بر
و زحل و مشتری را به همین برج که هبوط زحل اندروست قران بود با
مقابلة این برج که زحل اندورست یک دور این جا و یک دور آن جا برین
ترتیب یاد کرده آمد، و جای گاه کواکب نموده شد، چنانک آفتاب از سر
حمل روان شد، و زحل و مشتری با دیگر کواکب آن جا بودند به فرمان
ایزد تعالی حال‌های عالم دیگرگون گشت، چیزها نو پدید آمد، مانند آنکه
در خورد عالم گردش بود، چون آن وقت را دریافتند ملکان عجم، از بهر
بزرگ داشت آفتاب را و از بهر آن که هر کس این روز را در توانستندی
یافت نشان کردند و این روز را جشن ساختند و عالمیان را خبر دادند تا
هم‌گنان آن را بدانند و آن تاریخ را نگاه دارند. و چنین گویند که کیومرث
این روز را آغاز تاریخ کرد و هر سال آفتاب را (و چون یک دور آفتاب

ستم ضحاک برسته بودند پسندیدند و از جهت فال نیک آن روز را جشن کردندی و هر سال تا امروز آئین آن پادشاهان نیک عهد در ایران و توران به جای می‌آزند. چون به فروردین خویش رسید آن روز آفریدون به نو جشن کرد و از همه جهان مردم گرد آورد و عهده‌نامه بنشت و گماشتنگ را داد و فرمود و ملک بر پسران قسمت کرد. ترکستان از آب جیحون تا چین و ماچین، تور را داد و زمین روم مر سلم را و زمین ایران و تخت خویش را به ایرج داد و ملکان ترک روم و عجم همه از یک گوهنند و خویشان یکدیگرند و همه فرزندان آفریدون اند و جهانیان را واجبست آئین پادشاهان به جای آورند از بهر آنک از تخم وی اند. و چون روزگار او بگذشت و آن دیگر پادشاهان که بعد ازو بودند تا به روزگار گشتابس. چون از پادشاهی گشتابس سی سال بگذشت، زردشت بیرون آمد و دین گبری آورد و گشتابس دین او بپذیرفت و بر آن می‌[رفت] و از گاه جشن آفریدون تا این وقت نهصد و چهل سال گذشته بود و آفتاب نوبت خویش به عقرب آورد. گشتابس بفرمود تا کبیسه کردند و فروردین آن روز به اول سلطان گرفت و جشن کرد و گفت این روز را نگاه دارید و نوروز کنید که سلطان طالع عمل است و مر دهقانان را و کشاورزان را بدین وقت حق بیت‌المال دادن آسان بود. و بفرمود که هر صد و بیست سال کبیسه کنند تا سال‌ها بر جای خویش بماند و مردمان اوقات خویش را به سرما و گرما بدانند. پس آن آئین تا به روزگار اسکندر رومی که او را ذوالقرین خوانند بماند و تا آن مدت کبیسه نکرده بودند. و مردمان هم بر آن می‌رفتند تا به روزگار اردشیر پاپکان که او کبیسه کرد و جشن بزرگ داشت و عهده‌نامه بنوشت و آن روز [را نوروز] بخواند و هم بر آن آئین می‌رفتند تا به روزگار نوشین‌روان عادل. چون ایوان مدائین گشت نوروز کرد و رسم به‌جا آورد چنانک آئین ایشان بود اما کبیسه نکرد و گفت این آئین به‌جا مانند تا به‌سر دور که آفتاب به اول سلطان آید تا آن اشارت [که] کیومرث و جمشید کردند از میان برخیزد. این بگفت و دیگر کبیسه نکرد تا به روزگار مأمون خلیفة، او بفرمود تا رصد بکردن و هر سالی که آفتاب به حمل آمد نورزو فرمود کردن و زیج [كتاب چه نجومي] مأمونی برخاست و هنوز از آن زیج تقویم می‌کنند تا به روزگار المتكول علی‌الله. المتكول وزیری داشت نام او محمد بن عبدالملک، او را گفت افتتاح خراج در وقتی می‌باشد که مال در آن وقت از غله دور باشد و مردمان را رنج می‌رسد و آئین ملوک عجم چنان بوده است که کبیسه کردند تا سال به‌جای خویش باز آید و مردمان را به مال گزاردن رنج کمتر رسد، چون دست‌شان به ارتفاع رسد. متوكل اجابت کرد و کبیسه فرمود و آفتاب را از سلطان به فروردین باز آورند و مردمان در راحت افتادند و آن آئین بماند و پس از آن خلف‌بن احمد امیر سیستان کبیسه دیگر بکرد که اکنون شانزده روز تفاوت از آن جا کرده است. و سلطان سعید معین‌الدین ملکشاه را اناوار‌الله برهانه ازین حال معلوم کردند و بفرمود تا کبیسه کنند و سال را به جای گاه خویش باز آرند و حکماء عصر خراسان بیاورند و هر آلتی که رصد را به کار آید ساختند از دیوار و ذات‌الحق و مانند این و نوروز را به فروردین برند و لیکن پادشاه را زمانه زمان نداد و کبیسه ناکرده بماند. اینست حقیقت نوروز و آنج از کتاب‌های متقدمان یافته‌یم و از گفتار دانایان شنیده‌ایم.»

آفتاب به آخر برج‌ها رسد به برج حوت. پس کیومرث این مدت را بین گونه به دوانزده بخش کرد و ابتدا تاریخ پدید کرد و پس از آن چهل سال بزیست. چون از دنیا برفت هوشنج به جای او نشست و نهصد و هفتاد سال پادشاهی راند و [سپس] دیوان را قهر کرد و آهنگری و درودگری و بافنده‌گی پیشه آورد و انگیبین از زنبور و ابریشم از پیله بیرون آورد و جهان به خرمی بگذاشت و به‌نام نیک از جهان بیرون شد. و از پس او طهمورث بنشست و سی سال پادشاهی کرد و دیوان را در اطاعت آورد و بازارها و کوچه‌ها بنهاد و ابریشم و پشم بیافت و رهبان بزسپ در ایام او بیرون آمد و دین صایبان [صائب] آورد و او این دین بپذیرفت و زنار بربست و آفتاب را پرسید، و مردمان را دیبری آموخت و او را طهمورث دیویند خوانندی و از پس او پادشاهی به برادرش جمشید رسید و از این تاریخ هزار و چهل سال گذشته بود و آفتاب اول روز به فروردین تحويل کرد و به برج نهم آمد چون از ملک جمشید چهارصد و بیست و یک سال بگذشت این دور تمام شده بود و آفتاب به فروردین خویش به اول حمل باز آمد و جهان بر وی راست گشت. دیوان را مطیع خویش گردانید و بفرمود تا گرمابه ساختند و دیبا بیافتند و دیبا را پیش از ما دیوبافت خوانندی اما آدمیان به عقل و تجربه و روزگار بدين جا رسانیده‌اند که می‌بینی و دیگر خ را بر اسب فکند تا استر پدید آمد و جواهر از معادن بیرون آورد و سلاح‌ها و پیرایه‌ها همه او ساخت از زر و نقره و مس و ارزیز [قلع] و سرب از کان‌ها بیرون آورد و تخت و تاج و یاره [دست‌بند] و طوق و انگشتی او اورد. پس درین روزی که یاد کردیم جشن ساخت و نوروزش نام نهاد و مردمان را فرمود که هر سال چون فروردین نو شود آن روز جشن کنند و آن روز نو دانند تا آن گاه که دور بزرگ باشد، که نورزو حقیقت بود. و جمشید در اول پادشاهی سخت عادل و خدای‌ترس بوده و جهانیان او را دوست‌دار بودند و بدو خرم و ایزد پرستی او را فری و عقلی داده بود که چندین چیزها بنهاد و جهانیان را به زر و گوهر و دیبا و عطرها و چهارپایان بیاراست. چون از ملک او چهارصد و دنیا در دل کسی شیرین می‌باد راه یافت و دنیا در دل او شیرین گردانید و دنیا در دل کسی شیرین می‌باشد منی در خویشتن آورد، بزرگ‌منشی و بیدادگری پیشه کرد و از خواسته مردمان گنج نهادن گرفت، جهانیان ازو بدرج افتادند و شب و روز از ایزد تعالی زوال ملک او را می‌خواستند. آن فر ایزدی ازو برفت، تدبیرهای همه خطأ آمد. بیوراسپ که او را ضحاک خوانند از گوشه‌ای در آمد و او را بتاخت و مردمان او را یاری ندادند از آنک ازو رنجیده بودند، [پس] به زمین هندوستان گریخت. بیوراسپ به پادشاهی بنشست و عاقبت او را به‌دست آورد و پاره به دو نیم کرد و بیوراسپ هزار سال پادشاهی کرد. به اول دادگر بود و به آخر بی داد گشت و هم به گفتار و به کردار. دیو از راه بیفتاد و مردمان را در رنج می‌نمود تا آفریدون از هندوستان بیامد و او را بکشت و به پادشاهی بنشست و آفریدون از تخم جمشید بود و پانصد سال پادشاهی کرد.

چون صد و شصت و چهار سال از ملک آفریدون بگذشت، دور دوم از تاریخ کیومرث تمام شد. و او دین ابراهیم علیه‌السلام پذیرفته بود و پیل و شیر و یوز را مطیع گردانید و خیمه و ایوان او ساخت و تخم درختان میوه‌دار و نهال و آب‌های روان در عمارت و باغ‌ها او آورد. چون ترنج و نارنج و بادرنگ و لیمو و گل و بنششه و نرگس و نیلوفر و مانند این در بوستان آورد و مهرگان هم او نهاد و همان‌روز که ضحاک بگرفته و ملک بر وی راست گشت، جشن سده بنهاد و مردمان که از جور و